

است؛ از جمله در اشعار و افکار علامه اقبال لاهوری که کاملاً تحت تأثیر دو متفکر و عارف ایران مولوی و حافظ بوده است .

عنوان مقاله : تأثیر ادبیات فارسی بر نهضت تعالی گرای امریکا

نویسنده : بهزاد قادری و عباس آذراتداز

مآخذ : ادبیات و زبان (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

شهید باهنر کرمان)، ش ۶ و ۷، (پیاپی ۶)، (زمستان ۷۸ و بهار

۷۹)، ص ۱ تا ۲۳

ادبیات فارسی پس از اینکه جامعه فرهنگی اروپا را تحت تأثیر خود قرار می دهد، در اواخر قرن هجدهم بتدریج جای خود را در نشریات امریکایی نیز باز می کند. این توجه در اوایل قرن نوزدهم همزمان با شکوفایی فرهنگی جامعه امریکایی، جنبه عمیقتری به خود می گیرد. در اروپا عامل اصلی توجه به ادبیات فارسی عمدتاً جنبه تجاری و سیاسی داشته است، اما از آنجا که این عامل در مورد امریکا به دلیل نبودن این روابط، نمی توانسته نقش داشته باشد، این پرسش پیش می آید که چه انگیزه ای در این امر دخیل بوده است.

در این نوشتار، پس از بررسی اجمالی نفوذ ادبیات فارسی در آثار شاعران بزرگ اروپایی و ورود به جامعه امریکایی و برخوردهای رمانتیکی آغازین نسبت به آن، سعی شده است به این پرسش از دیدگاه ملی و فرهنگی جامعه امریکا پاسخ داده شود.

گرایشهای اولیه به ادبیات فارسی در امریکا فاقد عنصر مسلم «آشنایی» و نوعی واکنش سطحی و عام نسبت به شرق و فرهنگ شرق بود. مطالبی که در جراید امریکایی به چاپ می رسید، اغلب از درک عمیق نویسندگان آنها از ادبیات فارسی عاری بود. البته باید یادآوری کرد که آینده ادبیات فارسی را در امریکا نه اشارات عاری از شناخت این نشریات، بلکه واقع بینی و خلاقیت امرسن و همفکران او شکل داد. آنان به ادبیات فارسی به عنوان یک منبع بزرگ الهام نگریستند. این منبع

الهام به حدی مورد توجه قرار گرفت که برخی از تأثیر آن در سبک نگارش نویسندگان و شاعران امریکایی سخن گفتند.

گذشته از علت روانشناختی گرایش امریکاییها به فرهنگ شرقی و ادبیات فارسی عوامل مهمتری نیز مؤثر بوده است؛ عواملی که ریشه‌های آن را باید در موقعیت اجتماعی و فرهنگی آن سرزمین جست. به طور کلی زمینه‌های فکری و عملی توجه به ادبیات فارسی را در امریکا در سه مقوله می‌توان طبقه بندی کرد: نخست تلاش برای ایجاد یک ادبیات ملی و مستقل، دوم سیطرهٔ رمانتیسیسم بر ادبیات امریکا که توجه به شرق یکی از اصول این مکتب ادبی بود و دست آخر ظهور نهضت فکری و فلسفی تعالی‌گرایی که عقاید دینی، فلسفی و عرفانی شرق یکی از ارکان بنیادین این تفکر التقاطی را تشکیل می‌داد. ادبیات فارسی در مورد اخیر به دلیل پیوند با عرفان و جنبه هنری و زیباشناختی اش بستر مناسبتری برای ظهور یافته است.

مقوله‌هایی که به عنوان انگیزه‌ها و علل توجه به ادبیات فارسی در امریکا برشمرده شد، به هیچ وجه مانعة‌الجمع نیست؛ بدین معنی که تعالی‌گرایی را برخی تجلی عینی رمانتیسیسم در امریکا قلمداد کرده‌اند و در عین حال این جنبش فکری نقش بسیار حیاتی در رستاخیر فرهنگی امریکا و شکل‌گیری ادبیات ملی و مستقل آن ایفا کرده است.

سابقه ادبیات امریکا به عنوان پدیده‌ای مستقل از اواخر قرن هجدهم فراتر نمی‌رود. آنچه قبل از این وجود داشت، عمدتاً کتابهای تاریخی بود که نویسندگان، عقاید دینی و روابط دشوار خود با سرخپوستان، مشکلاتشان در طول سرما و اموری از این قبیل را توصیف کرده بودند. ادبیات آنها فاقد روح ملی بود.

پس از حصول استقلال سیاسی، ملت جوان امریکا به استقلال ادبی می‌اندیشید. اما بدون داشتن پیشینه تاریخی و فرهنگی به عنوان یک ملت، این امر چگونه میسر بود؟ امریکا به گفته امرسن، قاره‌ای خالی از افکار و عقاید بود و امریکاییها می‌دانستند که باید با خوشه چینی از ادبیات جهان این قاره تهی را پر کنند. به همین دلیل نگاه‌ها متوجه ادبیات شرقی شد.

امرسن که در شکوفایی فرهنگی امریکا نقش اساسی داشت، در مطالعه همه جانبه ادبیات فارسی نیز الگوی دیگر نویسندگان و شاعران امریکا شد. او اشعار زیادی از شاعران ایرانی را به انگلیسی ترجمه کرد و برخی از اشعار معروف خود را نیز تحت تأثیر شاعران ایرانی بویژه حافظ سرود. در حقیقت، ادبیات فارسی به لطف قریحه، پشتکار و شخصیت ممتاز امرسن به ادبیات امریکا راه یافت.

تغییر در مناسبات اجتماعی باعث پیدایش و رشد ادبیات رمانتیک در جوامع اروپایی شد. یک ویژگی رمانتیکها آزردهی از محیط و زمان خود و پرواز به فضاها یا زمانهای دیگر است. از این رو، ادبیات شرق در قرون هجدهم و نوزدهم اروپا بین شاعران و نویسندگان رمانتیک نفوذ کرد. رمانتیسیسم در امریکا در ناحیه نیوانگلند، محل زندگی امرسن، تورو، هاتورن و پایگاه تعالی گرایان به بار نشست. رمانتیسیسم در امریکا به دلیل تأثیر پیورترین در جامعه به گونه‌ای متجلی شد که پربارتر از رمانتیسیسم اروپایی می‌توانست از فلسفه‌ها و عقاید مشرق زمین سود ببرد. وجود روحیه عرفانی در نویسندگان نیوانگلند و تمایلات دیونوسی در آنها ادبیات فارسی را به دلیل برخورداری از هر دو ویژگی، در نظر آنها بسیار قابل تحقیق و تأمل و ارزشمند می‌ساخت. گرایشهای شرقی رمانتیکهای نیوانگلند در عصر نوزایی امریکا با وجود «تعالی گرایی»، رنگ علمی، تحقیقی و اعتقادی به خود گرفت.

تعالی گرایان به دلیل گرایشهای مذهبی و عرفانی، در فلسفه‌ها و آیینهای شرقی، عقاید و نظریاتی یافته بودند که با عقاید آنها بسیار شباهت داشت. تعالی گرایی نهضتی فلسفی و ادبی بود که در قرن نوزدهم در نیوانگلند امریکا رواج داشت و هنر و ادبیات امریکا را در بر گرفت. تعالی گرایی فلسفه‌ای منسجم نبود، بلکه عکس‌العملی بود بر ضد اصول حکمت عقلی و ماده گرایی روبه رشد در قرن هجدهم. این نهضت فکری تحت تأثیر فلسفه ایده‌آلیستی کانت، آیین نوافلاطونی و آثار مذهبی و عرفانی مشرق زمین به وجود آمد.

اینکه امرسن و تعالی گرایان از طریق اشعار عرفانی بویژه اشعار شاعران عارف ایرانی به ادراک تصوف اسلامی نایل شده‌اند، سخن درستی است. امرسن نیز چون

شاعران عارف ایرانی در بیان عقاید عرفانی خود زبانی نمادین در شعر به کار گرفت. او در مقاله‌ای با عنوان «شاعر»، شاعر را «انسان کامل» می‌نامد. از نظر او «شاعر کسی است که ما را از افکار کهنه و قدیمی برهاند. شعر خوب به ما کمک می‌کند از «پلکان شگفتی» به سوی بهشت صعود کنیم.» با داشتن چنین تصویر مقدس‌گونه‌ای از رسالت شاعر در ذهن است که امرسن به سعدی لقب «شاعر آرمانی» می‌دهد و همین نشان می‌دهد که او تا چه حد به ادبیات فارسی و ظرفیت آن اعتقاد داشته است.

رابطه تعالی‌گرایان با عرفان تنها رابطه تجربیدی و فکری در محدوده عرفان نظری نبوده است. آنها تجارب عرفانی نیز داشته و به عوامل مادی و جاه و جلال این جهانی بی‌توجه بوده‌اند.

زمینه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی در پیدایش نهضت تعالی‌گرایی و نیز واکنش منفی این نهضت در برابر کلیسای رسمی، یادآور فضای اجتماعی ایران در زمان رشد و گسترش عرفان است؛ حتی عمل امرسن در ترک مقام رسمی دینی (استعفا از شغل کشیشی) نیز یادآور انقلاب روحی مولانا است.

کوتاه سخن اینکه تعالی‌گرایی به دلیل داشتن بینش عرفانی و همراه با آن، مستعد بودن جامعه آمریکایی در پذیرش اشعار بزمی، قرابتها و همخوانیهای زیادی با ادبیات فارسی پیدا کرده بود. از این رو نفوذ ادبیات فارسی در آثار ادبی و فکری آمریکا باسانی صورت می‌گرفت.

عنوان مقاله: زبان و ادبیات فارسی در سرزمین اوده

نویسنده: دکتر ابوالقاسم رادفر

مأخذ: نامه پارسی، س ششم، ش دوم (تابستان ۸۰)، ص ۶۵ تا ۱۰۹

آوده در شرق هندوستان، قدیمترین گهواره علم و ادب و گنجینه غنی زبان فارسی است که بخصوص در عهد نوابان اوده، این سرزمین به طور خاص مرکز علم و تهذیب و تمدن شد.

بنیانگذار این سلسله سید محمد امین سعادت خان برهان الملک بود و در دوره وی به علت روابط خوب ایران و هند، زبان فارسی زبان دربار هند شده بود. در دوره سلطنت حکمرانان اوده به ترویج و ترقی علم و ادب توجه می شد. این هنر پروری از نواب سعادت خان شروع و به نواب واجد علی شاه ختم شد. این شاهان خود عالم و شاعر بودند.

شعرای بلند پایه دوره حکومت سعادت خان بسیارند. شکوفایی ادب فارسی در فیض آباد موجب شد شخصیت‌های برجسته‌ای مانند سراج الدین علی خان آروز به فیض آباد سفر کنند. وی صاحب اثری مهم در لغت و تذکره و نقد ادبی و بلاغت و دستور زبان فارسی، چون زوائد الفوائد است.

از شعرای مشهور عهد غازی الدین حیدر می توان به قاضی محمد صادق اختر صاحب دیوان شعر و میرزا محمد خان نصیبی صاحب مثنوی لاله بوستان، اشاره کرد.

از شعرای مشهور دوره نصیرالدین حیدر نیز باید به شیخ امام بخش ناسخ، خواجه حیدر علی آتش و پندت دیا شنکریم اشاره کرد. از آثاری که در زمان محمد علی شاه تألیف شد: حدیقه سلطانیه، تفسیر قرآن، باقیات الصالحات، جهان نما، سوانح سلاطین اوده و نفایس اللغات مولوی اوحدالدین بلگرامی است.

در دوره پادشاهی امجد علی شاه نیز آثار چندی تألیف شد؛ از جمله حق الیقین، خلاصه الاعمال، سبعة سیاره، خوش معرکه زیبا و بهار بی خزان. در عهد آصف الدوله یک کتاب با ارزش به نام اصول النعمات الّاصیفة تألیف شد.

در دوره واجد علی شاه نیز کتابهای با ارزشی چون فیوض جلیله سلطان عالم، قصاید وقار، معیار الاشعار کی شرح، مفید الاذهان، چشمه حیات و اشراق خاوری تألیف شد. از میان تألیفات واجد علی شاه نیز دستور واجدی، نصایح اختری، مجموعه واجدیه سلطانی؛ بحر هدایت، مباحثه بین النفس، صحیفه سلطانیه و عشق‌نامه از کتابهای مهم فارسی وی است.

در دوران نوابان برخی آثار و تذکرها نیز تألیف شد که نمونه هایی از آنها شامل تذکره نویسی، کتابهای تاریخی، کتابهای لغت و موضوعات متفرقه است. شعرای فارسی عهد نوابان به دو بخش تقسیم می‌شوند: یکی شاعران صاحب دیوان که تعدادشان سی و یک نفر است و بخش دوم شعرای معروف فارسی که حدود شصت نفرند و چهار تن از ایشان به نامهای قاضی محمد صادق اختر، واجد علی شاه اختر صاحب مثنوی عشق نامه، گوربخش ادیب و مظفر علی خان اسیر، و حدود نود نفر نیز شعرای غیر معروف هستند که تعداد چهل و یک نفر آنان هندو هستند.

عنوان مقاله : حیات و خدمات میرزا ارادت خان واضح (چیکده‌ای از پایان نامه

دکترای محمد کمال‌الدین مضطر

نویسنده : دکتر محمد کمال‌الدین مضطر

مأخذ : فصلنامه قند پارسی، ش چهاردهم، (زمستان ۷۹)، ص ۲۰۹ تا

۲۱۶

میرزا مبارک الله ارادت خان واضح، یکی از منصب داران بزرگ و معتمدان خاص عهد عالمگیری بوده است. او در ردیف شاعران و متصوفان نکته شناس عصر خود قرار داشت.

آثار او شامل قصاید، غزلیات، مرثیه، مثنویات، ترجیع بند و ترکیب بند و رباعیات است. آثاری نیز به نثر دارد از قبیل کلمات عالیات، تاریخ ارادت خان و قصه وامق و عذرا.

یکی از عادات مرسوم وی اطناب نویسی در نثر است و یکی از ممیزات برجسته قصیده‌های میرزا واضح، فضیلت نمایی و بر خویش بالیدن او در آنهاست. او به استثنای استادش میرمحمد زمان راسخ، به نکوهش شاعران دیگر، و ستایش از خود در اشعارش می‌پرداخت.

غزلیات و رباعیات وی از قالبهای دیگری که می‌سرود بهتر و دارای ارزش ادبی

بیشتر است. غزلیاتی که در بحر طویل به نظم در آورده از استحکام ترکیب و صلابت الفاظ و متانت بیان بهره‌کافی دارد.

در رباعیاتش مسائل و موضوعات تصوف را ریخته است و به وسیله آنها انواع بند و موعظت را در بحر و وزن کوتاه رباعی آورده است. همچنین در ترجیع بند مشهوری که دارد مسائل تصوف و عرفان را مورد بحث قرار داده است. از آخرین بند همین ترجیع بند وی استنباط می‌شود که میرزا واضح به مسلک تشیع میل و گرایش داشته است.

عنوان مقاله : دو ترجمه سرائیکی ناشناخته از رباعیات خیام و نقد و بررسی آنها  
نویسنده : دکتر رضا مصطفوی سبزواری  
مسأخذ : فصلنامه دانش (مرکز تحقیقات زبان فاسی ایران و پاکستان)، ش  
۵۸ و ۵۹ (پاییز و زمستان)، ص ۷۱ تا ۸۴

از جمله متون ترجمه شده زبان فارسی در شبه قاره رباعیات حکیم عمر خیام است. پژوهشهای خیام‌شناسی در شبه قاره هند و پاکستان - بجز نسخه‌های خطی موجود و چاپ متن اصلی رباعیات و یا چاپهای گوناگون و نیز به غیر از کتابهای تحقیقی مستقل درباره خیام و رباعیات او شامل دو دسته است: الف) برگردان رباعیات خیام به نظم ب) برگردان رباعیات خیام به نثر همراه با شرح و توضیح. نمونه‌های دسته اول عبارت است از: تاج الکلام، نذر خیام، مقام خیام، خمکده خیام، می دو آتسه و... و نمونه‌های دسته دوم عبارت است از: میکده خیام، خم خانه خیام و... اما از رباعیات خیام دو ترجمه به زبان سرائیکی وجود دارد به نام می گلفام و شاهکار. می گلفام ترجمه منظومی است که توسط دکتر مهر عبدالحق انجام و در سال ۱۹۷۳ در ملتان پاکستان چاپ شده است و شاهکار توسط عبدالعزیز نشتر غوری به سال ۱۹۷۱ به انجام رسیده است. زبان سرائیکی نیز زبان مناطق مرکز پاکستان شامل شهرهای دیره اسماعیل خان، دیره غازی خان، ملتان، بهاول نگر و... است. این زبان از مهمترین زبانهای محلی پاکستان است. دکتر

عبدالحق ضمن ترجمه ۳۱۳ رباعی خیام اظهار می دارد که بعضی رباعیات منسوب به خیام از متن مصحح محمد علی فروغی و غنی سبزواری از خیام نیست و دلیل آن را تکرار مصراع یا مضمون مشترک می داند و براین باور است که احتمالاً رباعیات اینگونه منسوب به شاعر دیگری است.

عنوان مقاله : حضرت شاه محمد نعیم عطا سلونی

نویسنده : سید نقی حسین جعفری

مأخذ : فصلنامه قند پارسی، ش چهاردهم (زمستان ۷۹)، ص ۲۰۳ تا ۲۰۶

حضرت شاه محمد نعیم عطا سلونی هشتمین سجاده نشین خانقاه کریمیه در سلون واقع در بخش رای بریلی در اترپرادش، یکی از چهره های برجسته ادبی دوره خود به شمار می رود.

شاه نعیم در سال ۱۲۹۸ متولد شد و در سال ۱۳۸۵ هجری عالم فانی را ترک گفت. او شاعری چیره دست و نویسنده ای معروف بود و به شرح حدیث و تألیف رسائل درباره سماع و غیره می پرداخته و درباره موضوعاتی مثل رؤیت باری تعالی، اهمیت و مقام لیلۃ القدر و غیره اظهار نظر نموده است.

آثار منظوم او شامل مثنوی مرآت حقیقت و دیوان شعر است. علاوه بر آن مثنوی معراج عشق و دو اثر به نام خمخانه ازل و شاهد غیبی تألیف کرده است که مشتمل بر نعت رسول الله و منقبت است. اشعارش به زبانهای اردو و فارسی سروده شده است. وی نماینده برجسته سلسله چشتیه نظامیه است که به محبت داشتن نسبت به مخلوق خدا تأکید زیاد دارند.

شاه نعیم شاعر نعت است و هزاران شعر در نعت رسول (ص) سروده است و بنابراین او را احسان الهند می خوانند. علاوه بر نعت، این شاعر صوفی، منقبت حضرت علی (ع) را هم سروده است.



عنوان مقاله : شاه شاعران و بنده درویشان

نویسنده : دکتر شفیقه یارقین (دیباچ)

مآخذ : نامه پارسی، س ششم، ش دوم (تایستان ۸۰)، ص ۱۲۹ تا ۱۴۳

ظهیرالدین محمد بابر شاه، سیاستمدار، شاه، شاعر، تاریخ نگار، عروضدان و عروض نگار، مترجم، منتقد ادبی و هنری، موسیقی شناس، آهنگساز و مؤلف کتاب موسیقی، مخترع خط جدید، و مؤلف کتاب در فن جنگ و لشکر آرایبی است. در اشعار بابر صنایع بدیع لفظی و معنوی، مَثَلها، حسن تعلیلها، ارسال المثلها، تجنیسها، لف و نشرها، تضادها و مراعات النظیرها و دیگر صنایع شعری رنگ طبیعی و صمیمی دارند. اشعار او از نظر محتوا به موضوعات اجتماعی، اخلاقی، تاریخی، عشقی، تصوفی، وصف الحال و حسب الحال اختصاص دارد. شعری زیان طبیعت است و طبیعت با همه عظمت و جاودانگی اش در شعر او جاری است.

از آثار این شاه شاعر درویش صفت، می توان به بابرنامه اشاره کرد که به شرح واقعات زندگانی بابر اختصاص دارد و معلومات گسترده ای درباره مسائل تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی، مردم شناسی، زبان شناسی و... دارد.

اثر دیگر او رساله عروض است. در این رساله نکات تازه تری در مورد اوزان فولکوروی دیده می شود و تویوق که نوعی شعر ازبکی است، در شکل های مختلف توسط وی معرفی شده است. در رساله عروض او علاوه بر نمونه های شعر استادان سخنور ازبک، نمونه های شعر رودکی، نظامی، امیر خسرو بلخی، مولانا، جامی، شیخ اوحدی مراغه ای، عطار، شاهی سبزواری، سلمان ساوجی، مولانا هاتفی و دیگران به چشم می خورد.

رساله مبین یکی دیگر از آثار بابر است که در مسائل فقه حنفی و موضوعات مربوط به یک رشته عملیات جنگی و لشکرکشی وی نوشته شده و هر چند ارزش هنری زیادی ندارد، نشاندهنده اعتقاد راسخ بابر به مذهب است. بابر این اثر را

هنگام مسافرت منظوم کرده و به همین جهت، در آن مسائل احکام سفر را بیان نموده است.

اثر دیگر او ترجمه منظوم رساله والدیه است که به زبان بسیار ساده و شیرین به نظم در آمده و موضوع آن پاکیزه گردانیدن ظاهر و باطن انسان است و چگونگی رسیدن به ذات کل و عشق حقیقی و مراحل تصوف را بیان می‌کند.

سرانجام دیوان اشعار بابر که شامل همه انواع و گونه‌های متداول شعر است و هر کدام از این اشکال شعر در دیوان او علاوه بر ویژگیهای معنوی آن، ویژگیهای ابداعی نیز دارد.

در این دیوان اشعاری به زبان ترکی، دری و اردو سروده شده است.

عنوان مقاله : نفوذ زبان و ادبیات فارسی در تایلند

نویسنده : اسماعیل تایلندی

مآخذ : نشریه فرهنگ و تمدن آسیا، س دوم، ش ۸ (آبان ۸۰) ص ۳ تا ۱۰

درک و فهم اینکه زبان فارسی در فرهنگ سیام و یا به عبارتی تایلند نفوذ داشته باشد شاید کمی دشوار به نظر برسد. زیرا در نگاه اول این پرسش به ذهن می‌رسد که چگونه زبان کشوری چون ایران با هزاران کیلومتر فاصله جغرافیایی می‌تواند بر زبان کشوری در جنوب شرق آسیا تأثیر داشته باشد.

تاریخ سیام نشان می‌دهد که از زمانهای بسیار دور، حدود چهارصد سال پیش میان ایرانیان و جامعه سیام روابط تجاری و سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای برقرار بوده و فرهنگ و تمدن ایرانی از طریق تجار و مبلغان مسلمان ایرانی وارد سرزمین سیام شده است.

ترجمه برخی از آثار ادبی ایران به زبان تایی از جمله رباعیات خیام، داستانهای از شاهنامه و گلستان و قصه‌هایی از زندگی پادشاه دادگستر ایرانی یکی دیگر از راه‌های نفوذ زبان فارسی در زبان تایلندی به شمار می‌آید. هر چند برای احصای تعداد دقیق واژگان زبان فارسی در زبان تایلندی پژوهش و تحقیق بسیاری لازم

است در این مقاله سعی شده است به تعدادی از واژه‌های مشهور و رایج فارسی در زبان تایی اشاره شود:

پوسا (PUSA): این کلمه از لغت فارسی پوشاک اخذ شده و در میان مردم تایلند نیز به همین معنی فارسی یعنی «جامه» و هر چه پوشیدنی باشد به کار می‌رود. حرف «ک» از آخر این واژه به دلیل سهولت تلفظ حذف شده و به جای «ش» حرف «س» قرار گرفته است.

انگون (ANGOON): نوعی میوه که اهل سیام از طریق ایرانیها با آن آشنا شدند و همان انگور فارسی است.

بیراه (YEERAH): نوعی ادویه است که تجار ایرانی به سیام آورده‌اند و در زبان فارسی «زیره» گفته می‌شود.

یاه فران (YAHFARAN): این واژه از کلمه «زعفران» اخذ شده و چون تلفظ واژه زعفران برای مردم سیام دشوار بوده به «یاه فران» تبدیل شده است.

کلم (KALAM): نوعی از سبزیجات چند برگی است که در سیام به همان معنی و مفهوم فارسی به کار می‌رود.

گلاب (GULAAB): این واژه کاملاً فارسی است ولی در زبان تایی گلاب به معنی خود گل سرخ یا گل محمدی به کار می‌رود. گلاب به معنایی که در زبان فارسی دارد، در زبان تایی «نم گلاب» خوانده می‌شود.

صابو (SABU): این واژه نیز از لغت صابون که در فارسی به کار می‌رود گرفته شده و به همین معنی به کار می‌رود.

کاراوان (KARAVAN): این واژه در زبان فارسی به گروهی از مسافران که با هم و به صورت جمعی سفر می‌کنند اطلاق می‌شود. این لغت در فارسی «کاروان» است و در زبان تایی نیز به همین معنی به کار می‌رود. هر چند برخی از تایلندیها گمان می‌کنند که این لغت در اصل از زبان انگلیسی اخذ شده است.

ستان (STAN): پسوندی است که به آخر بسیاری از کلمات فارسی افزوده می‌شود؛ مثل باغستان، گلستان و... در زبان تایی این واژه گاهی به معنی محل به کلمات اضافه می‌شود؛ مانند «شاپانستان» که محل سوزاندن جسد در معابد است و گاهی

به عنوان پیشوند استفاده می‌شود؛ مانند «ستان توت» به معنی سفارتخانه.  
 ساللا (SALA): به ساختمان و مکان خاص برای پذیرایی میهمان که در خانه‌ها و باغها و اطراف معابد ساخته می‌شود، اطلاق می‌گردد. این کلمه به همان معنای واژه «سرا» در زبان فارسی استعمال می‌شود و به مرور زمان «ر» به «ل» تبدیل شده است.  
 شا (SHA): از لغت «چای» فارسی گرفته و به همین معنی است.  
 راجهاودی (RAJHAWADI): این کلمه از واژه لاجوردی به معنی رنگ آسمانی یا آبی فیروزه‌ای گرفته شده و در سیام قدیم نیز راجهاودی به رنگ آبی خاصی می‌گفتند که عمدتاً برای تزیین ظروف طلایی و نقره‌ای استفاده می‌شد.  
 خاکی (KHAKI): در زبان تایلندی به معنی رنگ زمین که قهوه‌ای باشد استعمال می‌شود.

خط (KAT): از لغت فارسی خط به معنی نوشته روی کاغذ است. البته این لغت در زبان تایی با پسوند «لای میو» به کار می‌رود. خط لای میو در این زبان معنی خط خوب و زیبا و بادقت نوشتن دارد.

چتر (CHATR): از کلمه «چتر» که در فارسی به معنی سایه بان است گرفته شده است. اما در تایلند این لغت به چتر مخصوص شاه و شاهزادگان که بیشتر جنبه تشریفاتی دارد گفته می‌شود.

با جستجو و تحقیق بیشتر می‌توان در زبان تایی ده‌ها واژه دیگر را یافت که یا همانند اصل فارسی خود تلفظ می‌شود یا با تغییراتی اندک ولی به همان معنا به کار می‌رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عنوان مقاله: قطب بنگاله حضرت صوفی سید فتح‌علی ویسی به عنوان شاعری  
 نعت‌گو

نویسنده: دکتر محمد امین «عامر»

مأخذ: فصلنامه قند پارسی، ش چهاردهم (زمستان ۷۹)، ص ۱۹۷ تا ۲۰۲

سید فتح‌علی متخلص به «ویسی» در ۱۸۲۵ میلادی در چاتنگام در حوزه بنگلادش